

۸۴

۸۵

معنوی ازان دو باشد جمله دیگر لفظیست ۴

باز لفظی شد سماعی قیاسی مطلقا ۵

هست انواع سماعی سیزده نزدیک عقل ۳

مستمع شو تا کنم نوع سماعی را ادا ۲

النوع الاول حروف الجارة

نوع اول حرف جر هفده بود میدان یقین ۸

کاندر این یک بیت آمد جمله بیچون چرا ۶

این کتاب عوامل پارسی

هذا کتاب بسم الله الرحمن الرحیم عوامل پارسی

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد توحید خداوند درود مصطفی ؛ نعت آل پاک پیغمبر رسول مجتبی

هست مدح خسرو قاضی عز الدین حسین ؛ حامی دین آفتاب معدلت ظل خدا

بر خلایق واجب بر بنده باشد فرض عین ؛ چون دعای شاهزاده سال من صبح و مسا

نصرت فتح ظفر اقبال جاه سلطنت ؛ باد باقی تا مراو هست امکان بقا

عامل اندر نحو صد با حسن فرموده است ؛ شیخ عبد القاهر جرجانی آن پیر دعا

معنوی از ان دو باشد جمله دیگر لفظیست ۴

باز لفظی شد سماعی قیاسی مطلقا ۵

هست انواع سماعی سیزده نزدیک عقل ۳

مستمع شو تا کنم نوع سماعیرا ❀ ادا ۲

النوع الاول حروف الجارة

نوع اول حرف جر هفده بود میدان یقین ۸

کاندر این یک بیت امد جمله بیچون چرا ۹

باو تا ء کاف لام واو مذ منذ خلا

رب حاشا من عدا فی عن علی حتی الی

النوع الثانی حروف المشبهة بالفعل

انّ انّ کانّ لیت لکنّ لعلّ

ناصب اسمند رافع مر خبر را بی دغا

النوع الثالث حروف مشابه بلیس

ما ولا وان مشابه بلیس اسم را

راآکهر

رافعاند مر خبر را ناصبند ای مقتدا

النوع الرابع حروف الناصبة الاسم

وا و یا و همزة الا ایا و ای هیا

هفت حرف ناصب اسمند ای صاحب دوا

النوع الخامس حروف الناصبة لفعل المضارع

ان و لن با کی اذن این چار حرف معتبر

نصب مستقبل کنند اینجا مر ایم اقتضا

عبد الرزاق

النوع السادس حروف الجازمة

ان ولم لما ولام امر لاء نهی هم

پنج حرف جازم فعلند ای صاحب دوا

النوع السابع اسماء الجازمة

من وما مهما وای حیثما اذما متی

اینما انا بود نه اسم جازم فعلرا

النوع الثامن اسماء تنصب اسماء النكرات

ناصب

٨٧

ناصب اسم منکّر نوع هشتم چهار اسم

هست چون تمیز باشد انمنکّر هر کجا

اوّلین لفظ احد باشد مرکب با عشر

همچنین تا تسع و تسعین بوشمو اینحکم را

باز ثانی کم چو استفهام باشد بی‌خبر

ثالث ایشان کاین رابع ایشان کذا

النوع التاسع اسماء الافعال

نز بود اسماء افعال وزن ان شش ناصبند

دونك بلى عليك حيّهل باشد وها

واعلم

پس رويد با زها فع اسم اهيهات دان

با نشتان است وسرعان با دكر اين بيها

واعلم

النوع العاشر افعال الناقصة

نوع عاشر سيزده فعلند كه ايشان ناقصند

رافع اسمند ناصب در خبر چون ما ولا

٨٨ کان صار اصبح امسی و اضحی ظلّ بات

باتْ کان مافتی مادام ماانفك شد لیس از قفا

ما مابرح مازال هر فعلی کز ایشان مشتقند

گیا هر کجا بینی همین حکم است در جمله روا

النوع الحادی عشر افعال الناقصة

دیگر افعالی کز ایشان در عمل چون ناقصند

باشد ان کاد کرب با اوشك دیگر عسی

النوع الثانی عشر افعال المدح والذم

رافع اسماء جنس افعال مدح ذم بود

چار امد نعم بئس ساء ا نکر حبذا

النوع الثالث عشر افعال الشک والیقین

دیگر افعال یقین شک بود کاندر دو اسم

چون در اید هر یکی منصوب سازد هر دو را

خلت باشد با علمت پس حسبت با زعمت

وی

پس ظننت چون وجدت چون رأیت بیجا

العوامل القیاسیة

بعد از این هفت قیاسی اسم فاعل مصدر است

اسم مفعول مضاف فعل باشد مطلقا

پس صفت باشد که مانند اسم فاعل است.

هفتم اسم تام را تمیز و ناصب بجا

العوامل المعنویة

عامل فعل مضارع معنوی باشد بدان

همچنین معنی بود عامل یقین در مبتدا

المهمل بغیر عامل هو

الحروف المهمل

لو و لوما سین سوف هل نعم

ای و الا و هلا و نعم اجل پان هم بلا

همزه استفهام هم زاینها بود همچون اما

کم برای قصد تنبیه آمده همچون اما

فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۹

هر کس این نهار اندر کتاب کتاب خدا بنویسد هر که اندر عقل مو نکنند

لهم دار السلام عند ربهم وهو ولیهم بما کانوا یعملون تا هر ... سنه ۱۳۸۶

لهم دار السلام عند ربهم

وهو ولیهم بما کانوا یعملون

۲۸۶

فراموش نکنند

دعا

در دارالخلافه طهران

بلده طیبه همدان رسیدم

[illegible]

نبی عربی و درسو

و نخبه اسند الله منح

و فان هر تول و با امر و الله تعا





